

## A Comparative Analysis of Special Deputyship and the Theory of the Fourth Pillar in the Thought of Imamiyya and Shaykhiyya<sup>1</sup>

Mohammad Shahbazian<sup>1</sup>      Seyed Mohammad Hossein Hosseini (Bahr)<sup>2</sup>

1. Graduate of the Qom Seminary and Faculty Member, Stream Studies Group,  
Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.

m.shahbazian@is; Orcid: 0009-0004-9843-1972

2. Graduate of Level 3, Mashhad Seminary, Mashhad, Iran.  
hoseinibahr110@gmail.com



### Abstract

Shaykhiyya Kermaniya is considered one of the deviant sects of the present era, which, by resorting to the concept of special deputyship, seeks to expand its meaning. This movement, due to a misunderstanding of the concept of deputyship, has followed a path by introducing terms such as the Fourth Pillar and the Unique Speaker, considering itself the center of both worldly and otherworldly sciences, the criterion of right and wrong, and possessing unattainable ranks. The evolution of the meaning of agency into deputyship and the appropriation of the meaning of deputyship with the Fourth Pillar is a major effort of the Shaykhis to legitimize their viewpoint by inventing this theory, which necessitates the gradual elimination of the system of jurisprudence and marja'iyah (highest religious authority). This research aims to clarify the issue of special deputyship and its conceptual evolution from the meaning of agency, and seeks to show that the Shaykhis, by misusing and

- 
1. Shahbazian, M., & Hosseini (Bahr), S. M. H. (2024). A comparative analysis of special deputyship and the theory of the fourth pillar in the thought of Imamiyya and Shaykhiyya. *Mahdavi Society*, 5(10), 31-58. <https://doi.org/10.22081/JM.2025.68130.1108>
- 

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Research Article

☐ **Received:** 03/02/2025 • **Revised:** 05/03/2025 • **Accepted:** 05/03/2025 • **Published online:** 08/04/2025

---

misunderstanding the issue of special deputyship, have presented it in the form of the Fourth Pillar. Re-examining the Shaykhis' thoughts regarding this semantic evolution and their misuse of the concept of special deputyship highlights the necessity of research in this area. The present paper, using library resources with a descriptive-analytical approach, and relying on primary sources of the Kermani Shaykhiyya sect, clarifies the conceptual evolution and utilization of this sect. The result shows that the Shaykhis misused the transformation of the meaning of agency and its application to special deputyship in an effort to legitimize their claims.

### **Keywords**

Claimants, Shaykhiyya, Special Deputyship, Fourth Pillar.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تحلیل تطبیقی نیابت خاصه و نظریه رکن رابع در اندیشه امامیه و شیخیه<sup>۱</sup>



محمد شهبازیان<sup>۲</sup>      سید محمد حسین حسینی (بحر)<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه جریان‌شناسی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.shahbazian@is; Orcid: 0009-0004-9843-1972

۲. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه مشهد، مشهد، ایران.

hoseinibahr110@gmail.com

### چکیده

شیخیه کرمانیه یکی از فرقه‌های انحرافی عصر حاضر به شمار می‌آید که با دست‌یازی به مفهوم نیابت خاص، تلاش در گسترش مفهومی آن داشته است، این جریان برای عدم فهم صحیح از مفهوم نیابت با طرح عناوینی نظیر: رکن رابع و ناطق واحد، این مسیر را دنبال کرده و خود را محور علوم دنیوی و اخروی، ملاک حق و باطل و برخوردار از مقاماتی دست‌نیافتنی می‌دانند. تطور معنای و کالت به نیابت و مصادره معنای نیابت با رکن رابع، بیشتر تلاش شیخیه در راستای مشروعیت بخشی نگاه خود در ابداع این نظریه بوده که لازمه این نگرش حذف تدریجی دستگاه فقاها و مرجعیت است. پژوهش حاضر به دنبال تبیین صحیح مسئله نیابت خاصه و تطور مفهومی آن از مفهوم و کالت برآمده و درصدد بیان این موضوع است که شیخیه با سوءاستفاده و برداشت ناصحیح از مسئله نیابت خاصه، آنرا در قالب رکن رابع ارائه داده است. بازخوانی اندیشه شیخیه نسبت به این تطور معنایی و سوءاستفاده از مفهوم نیابت خاصه، بیانگر ضرورت پژوهش در این زمینه است، نوشتار حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با رویکردی توصیفی - تحلیلی، با استناد به منابع دست اول فرقه شیخیه کرمانیه، تطور مفهومی و بهره‌وری این فرقه

\* **استناد به این مقاله:** شهبازیان، محمد؛ حسینی (بحر)، سید محمد حسین. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی نیابت خاصه و نظریه رکن رابع در اندیشه امامیه و شیخیه. جامعه مهدوی، ۵ (۱۰)، صص ۳۱-۵۸.

<https://doi.org/10.22081/JM.2025.68130.1108>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

را روشن کرده است. نتیجه بدست آمده حاکی از سوءاستفاده شیخیه در دگرگونی معنای وکالت و تطبیق آن با نیابت خاصه، در تلاش برای مشروعیت بخشی ادعاهای خود است.

### کلیدواژه‌ها

مدعیان، شیخیه، نیابت خاص، رکن رابع.



## مقدمه

بررسی تاریخی حیات معصومان علیهم‌السلام نشان‌دهنده جایگاه بنیادین نیابت در نظام اعتقادی شیعه است که از آن با عناوینی همچون وکالت و سفارت نیز یاد می‌شود. تحلیل سیره امامان شیعه نشان می‌دهد که این نظام نیابت، نه تنها در دوران غیبت امام عصر علیه‌السلام، بلکه در دوره‌های پیشین نیز وجود داشته است. این مسئله، گمان انحصار نیابت خاصه به عصر غیبت را رد کرده و نشان می‌دهد که این نهاد، از دیرباز یکی از ارکان مدیریتی جامعه شیعه بوده است.

هم‌زمان با آغاز غیبت امام زمان علیه‌السلام، وجود چنین نظامی، زمینه‌ساز ادعاهای انحرافی برخی افراد و گروه‌ها شد که با سوءاستفاده از این جایگاه، درصدد کسب موقعیت‌های ویژه‌ای برای خود برآمدند. در تاریخ شیعه، نمونه‌هایی از این مدعیان همچون احمد بن محمد سیاری (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۰۶)، محمد بن نصیر نمیری (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۰) و احمد بن هلال کرخی (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۸۳). مشاهده می‌شود که تلاش کردند خود را به‌عنوان نایبان خاص امام معرفی کنند. این جریان‌های انحرافی، منحصر به عصر غیبت صغری یا دوره‌های نخستین اسلامی نبوده، بلکه در سده‌های بعدی نیز با آشکال جدیدتری استمرار یافته‌اند.

در دوران معاصر، فرقه شیخیه کرمانیه را می‌توان یکی از مهمترین جریان‌هایی دانست که با بازتعریف مفهوم نیابت و ابداع نظریه رکن رابع، کوشیده است جایگاهی شبه‌معصومانه برای رهبران خود ترسیم کند. این فرقه، تحت عنوان ناطق واحد، رهبران خود را در جایگاهی فراتر از مرجعیت دینی و در مقام یک واسطه الهی معرفی کرده و درصدد اثبات این مقام برای بزرگان خود بوده است. تحلیل آرای بنیان‌گذاران این فرقه، نشان‌دهنده مغالطه‌ها و سوءبرداشت‌های آنان از مفهوم نیابت خاصه است که به جایگاه رکن رابع مشروعیت ببخشد.

فرقه شیخیه در ابتدا با تغییر معنای وکالت و تطبیق آن با نیابت خاصه، تلاش کرد مشروعیت ادعای خود را در بستر تاریخی اندیشه شیعه تقویت کند. در ادامه، با گسترش

این مفهوم و عرضه نظریه رکن رابع، به بازتعریفی فراتر از نیابت خاصه دست زد و این جایگاه را تا سطح مقامی الهی ارتقا داد. مطالعه آرای این فرقه، به وضوح نشان می‌دهد که آنان با تحریف مفاهیم بنیادین شیعه، در صدد ایجاد مشروعیت برای رهبران خود بوده‌اند.

پیش از این پژوهش‌های همچون: «آرای کلامی شیخیه» نوشته علی اکبر باقری (باقری، ۱۳۸۹، شماره ۴)، «اصل معرفت به رکن رابع در اندیشه شیخیه» نوشته دارویش رحمانیان و محمد سراج (رحمانیان، سراج، ۱۳۹۰)، «اصول دین و مذهب و نظریه‌ی ناطق واحد در اندیشه شیخیه» نوشته غلامحسین زرگری نژاد و محسن سراج (زرگری، سراج، ۱۳۹۰)، به بررسی برخی ابعاد این موضوع پرداخته‌اند، هرچند کتب مختلفی نیز درباره شیخیه و مسئله و کالت و نیابت امامان به زیور طبع آراسته شده است.

باین حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر تبیین صحیح معنای نیابت خاصه و سیر تاریخی آن، تلاش دارد تا مغالطات شیخیه را در بهره‌گیری از این مفهوم آشکار سازد. در این مقاله، نظریه رکن رابع به عنوان مرحله‌ای فراتر از نیابت خاصه مورد بررسی انتقادی قرار گرفته و نسبت آن با مبانی اصیل شیعی تحلیل می‌شود. این مطالعه، از رهگذر خوانش تطبیقی و انتقادی، تلاش دارد تا نحوه سوءاستفاده فرقه شیخیه از مفهوم نیابت خاصه را روشن سازد و جایگاه حقیقی این مفهوم را در نظام معرفتی شیعه بازنمایی کند؛ پژوهشی که تاکنون به صورت تحلیلی-تبیینی بدان پرداخته نشده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی یکی از نخستین و بنیادی‌ترین گام‌ها در هر پژوهش علمی است که به روشن‌سازی اصطلاحات کلیدی و تبیین معنای دقیق آنها در چارچوب موضوع مورد بحث می‌پردازد. در مطالعه حاضر، بررسی مفاهیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه هر کدام از این اصطلاحات در بستر تاریخی-کلامی شیعه معانی مشخصی داشته است. مفهوم‌شناسی این اصطلاحات، نه تنها درک صحیح‌تری از دیدگاه شیخیه درباره

نیابت و جایگاه رهبری دینی ارائه می‌دهد، بلکه زمینه تحلیل انتقادی ادعاهای آنان را نیز فراهم می‌سازد؛ بنابراین، پیش از ورود به مطالعه آرای شیخیه، ضروری است که معانی دقیق این مفاهیم از دیدگاه شیعه و تطورات آنها در شیعه و اندیشه شیخیه مورد بررسی قرار گیرد.

## الف. نیابت خاص

لغویین به کارگیری این واژه در مورد امور افراد را، به معنای ورود در مقام و جایگاه وی و قائم مقام شدن برای او ذکر نموده‌اند (فراهمی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۸۱). خاص بودن این نیابت، قیدی است که در برابر عنوان عام و فراگیر بودن قرار گرفته و این قید را نمی‌توان در گفتاری از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) جستجو کرد و در واقع توسط عالمان شیعی در ادبیات مرتبط با آموزه‌های مهدوی وارد شده است. وجه قرار دادن این قید، آن است که عالمان شیعه معتقدند برخی از نایبان حضرت مهدی (علیه‌السلام) با نص و دلیل اشاره‌کننده به نام‌های مشخص ایشان به مقام ویژه‌ای در دوران غیبت صغری رسیده‌اند و در برابر آن از عنوان نایبان عام برای هر فقیهی که توانایی استنباط احکام از منابع معتبری مانند قرآن و روایات را داشته باشد استفاده نموده‌اند.

مفهوم «نیابت خاص» در متون قدیمی شیعه با عنوان‌هایی مانند «سفیر» (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۰)، «باب» (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۶؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۷۹)، «وکیل» (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۷۱) یا «نایب» (طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲۰) مطلق اشاره شده است. امروزه این اصطلاح در گفتمان مهدویت به چهار نماینده خاص امام زمان (علیه‌السلام) در دوران غیبت صغری اطلاق می‌شود که با نص صریح از سوی ایشان منصوب شدند. این نایبان (عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری) وظیفه داشتند به عنوان واسطه مستقیم با امام (علیه‌السلام) - از طریق نامه یا ملاقات - امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی شیعیان را سامان دهند (شهبازیان، ۱۴۰۱، ص ۵۷). ویژگی‌های آنان شامل انتصاب مستقیم از سوی امام یا نایب پیشین، دریافت دستورات و توقیعات، ارائه کرامات برای اثبات جایگاه و حفظ نظم جامعه شیعی بود (صدر، ۱۹۹۲م،

ج ۱، ص ۶۰۹).

عالمان امامیه با استناد به منابعی مانند توقیع امام به علی بن محمد سمری و اجماع علمی، بر انحصار نیابت خاص در این چهار نفر تأکید کرده‌اند. این انحصار در آثار متکلمانی مانند شیخ مفید و طوسی نیز تصریح شده و به عنوان بخشی از باورهای قطعی شیعه دوازده امامی شناخته می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۰؛ شهبازیان، ۱۴۰۱، ص ۵۷-۷۱).

### ب. شیخیه

شیخیه نام معروف برای گروهی از طرفداران شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ق) است که با عناوینی مانند: «کشفیه»، «پایین سری»، «تامیه»، «اقلیت» و «رکنیه» نیز از آنها نام برده‌اند (مشکور، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶-۲۷۰). شیخ احمد تا بیست سالگی در احساء بوده و پس از دیدن رویایی، ترغیب به دست کشیدن از دنیا می‌شود. این رؤیا در احسائی سرآغاز الهاماتی شد که تحولات به ظاهر معنوی بعدی را در وی پدید آورد. در گذر زمان شیخ احمد مدعی گردید در خواب بعضی از ائمه اطهار علیهم‌السلام را دیده و به او اذکاری را تعلیم داده‌اند که با تعمق در آنها، راه ارتباط با معصومین علیهم‌السلام برای وی گشوده شد و پاسخ پرسش‌های خود را در خواب از ائمه علیهم‌السلام پرسش می‌کند و مبانی و آراء خود را به دست آورده است (افضلی، ۱۳۹۷، ص ۷۶). رهبران شیخیه، با استناد به سخنان شیخ احمد احسائی به ادعاهای عجیب‌تری در مورد خواب‌های رخ داده پرداخته و معتقدند که وی به صورت ارادی هر امامی را که می‌خواسته ملاقات نموده (موسوی، بی تا «ب»، ص ۱۱) و تمامی سخنان وی مستقیماً برگرفته از کلمات معصومان علیهم‌السلام است به همین دلیل هیچ اشتباهی در تبیین وی وجود نداشته و هیچ مسئله مشکلی برای وی مطرح نبوده است (موسوی، بی تا «ب»، ص ۱۱).

پس از درگذشت شیخ احمد احسائی، رهبری جریان شیخیه به سید کاظم رشتی واگذار شد. با وفات سید رشتی و عدم تعیین جانشینی مشخص از سوی او، میان پیروان این مکتب اختلافاتی پدید آمد که منجر به انشعابات مختلف در میان شیخیه شد.



مهمترین این انشعابات شامل کریمخانه (پیروان محمد کریم خان کرمانی)، احقاقیه (پیروان محمدباقر اسکویی)، باقریه (پیروان میرزا محمدباقر جندق‌آبادی، معروف به میرزا باقر همدانی) و آذربایجانیه بود. شاخه آذربایجانیه خود به سه گروه حجت‌الاسلام، ثقة‌الاسلام و عمیدالاسلام تقسیم شد (افضلی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹؛ آل طالقانی، ۱۴۲۰، ص ۲۹۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۱۱۹).

در میان این گروه‌ها، دو جریان کریمخانه و احقاقیه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و علیرغم اشتراکات آنها در پذیرش آموزه‌های شیخ احمد احسائی، در مسئله رکن رابع دچار اختلاف اساسی شدند. کریمخانه (معروف به شیخیه کرمانیه) معتقد است که نظریه رکن رابع ریشه در تعالیم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی دارد و آن را به‌عنوان یکی از مبانی اصلی خود مطرح می‌کند. در مقابل احقاقیه این دیدگاه را نپذیرفته و تفسیری متفاوت از آموزه‌های بنیان‌گذاران شیخیه ارائه می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۱۲۲؛ نجفی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

## ۲. تاریخچه نیابت در نظام شیعی

با مطالعه رویکرد امامان معصوم نسبت به انتخاب و تعیین افرادی به‌عنوان فرستاده یا نماینده، روشن می‌شود که ویژگی‌ها و خصائص این افراد در مطابقت با تفکر و کالت بوده و آنچه که امروزه به‌عنوان نوعی از نیابت مطرح شده است در سیر تاریخی زندگانی ایشان وجود نداشته و اقدامات ایشان فقط جنبه نظم‌دهی، کنترل امور مسلمین و جهت دهی شیعیان به شمار رفته است، این درحالیست که باورمندی به مقوله نیابت خاص، به‌طور اساسی برخی شئون امامت و خلافت را نیز شامل گشته و چنین اصطلاحی بیانگر برخی شئون امامت مطرح می‌شود.

اقدام امامان شیعه علیهم‌السلام در تعیین افرادی به‌عنوان وکیل و نماینده، ناشی از نیازی بود که آن حضرات به این موضوع احساس کردند؛ زیرا ارتباط مستقیم امامان علیهم‌السلام با شیعیان به دلایل امنیتی و همچنین به علت فاصله زیاد میان مناطق شیعه‌نشین و محل استقرار امام علیهم‌السلام امکان‌پذیر نبود. در منابع متقدم از برخی افراد تعبیر به وکیل گشته و حضرات

معصومین با چنین عباراتی از افرادی مانند: عثمان بن سعید عمری (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۲۱۶)، عروة بن یحیی دهقان (کشی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۴۳) و ابو علی بن راشد (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۵۰) و دیگران یاد کرده‌اند.

در کلمات علمای رجال، همواره برای معرفی و کلاهی ائمه علیهم‌السلام از واژه «وکالت» و مشتقات آن بهره‌برداری شده است؛ به‌عنوان مثال، شیخ طوسی درباره نصر بن قابوس لخمی، چنین ذکر کرده است: «فروی أنه كان وكيلا لأبي عبد الله عشرين سنة» (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۴۷)، و درباره عبد الرحمن بن حجاج نوشته است: «كان وكيلا...» (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۴۷)، تعبیر نجاشی درباره ایوب بن نوح بن درّاج، چنین است: «ایوب بن نوح، وکیل ابی الحسن و ابی محمد علیهما السلام...» (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۷۴)، علامه حلی درباره علی بن مهزیار اهوازی، چنین آورده: «... فاختصّ بابی جعفر الثانی علیه السلام و توکل له...» (علامه حلی، ۱۴۰۲، ص ۹۲).

همچنین گاهی تعبیر وکیل درباره دستیاران نواب اربعه در عصر غیبت صغرا به کار رفته است؛ مثلاً درباره حسین بن روح نوبختی چنین آمده: «كَانَ أَبُو الْقَاسِمِ الْحُسَيْنُ بْنُ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكِيلاً لِأَبِي جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سِتِينَ كَثِيرَةً» (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۷۲).

از جمله دیگر وکلاهی حضرت صاحب السلامة می‌توان به اسامی زیر اشاره داشت: ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزة بن الیسع، احمد بن اسحاق اشعری قمی (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۴۱۷)، حاجز بن یزید، محمد بن ابراهیم بن مهزیار، محمد بن صالح، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، عمر اهوازی، محمد بن علی بن بلال، و ابو محمد وجنائی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۲۱).

در تطور عنوان نیابت در تاریخ امامیه باید دانست که کلمه نایب یا عنوان نیابت هیچ‌گاه در روایات یا گزارش‌های تاریخی دوران حضور و غیبت صغری ذکر نشده است. بعدها در عصر غیبت کبری برخی از منابع در سده چهارم برای نخستین بار به لفظ نواب اشاره داشته‌اند. این عنوان را صدوق در کمال الدین در بیان عملکرد و کلاء بدان اشاره داشته است و چنین نقل کرده است: «وَ كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ نَحْمِلُ الْأُمُوالَ إِلَى بَعْدَادَ إِلَى التُّوابِ الْمَنْصُوبِينَ بِهَا وَ يُخْرَجُ مِنْ عِنْدِهِمُ التَّوْقِيعَاتُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۹).

پس از وی طبری به این لفظ توجه داشته (طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۵۲۰) و دو سده بعد راوندی در قرن ششم هجری به وکیل به عنوان نایب اشاره داشته است (قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱۱۲)، گویا از این زمان است که این عنوان به طور گسترده مورد توجه قرار می گیرد.

### ۳. سوءاستفاده از عنوان نیابت

ادعای ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام و وکالت از جانب ایشان، یکی از پر رونق ترین عناوین میان مدعیان دروغین است. شیخ طوسی در کتاب الغیبة، مصادیقی از مدعیان را نام برده و به محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، شلمغانی و ابو دلف الکاتب اشاره می کند (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۹۷-۴۱۵).

در چند سده اخیر نیز افرادی با نایب خاص، هادی امت، وکیل امام، قطب، رکن رابع و یا واسطه فیض نامیدن خود این عنوان را دنبال کرده و خود را محور علوم دنیا و آخرت می دانند. نمونه ای از آنکه ادعاهای خود را با وکالت و نیابت آغاز کرده و در نهایت خود را پیامبر جدید خواند، علی محمد شیرازی است.

وی در اول محرم ۱۲۳۵ق در شیراز متولد شد. در ابتدای کار مدعی نیابت خاص امام زمان علیه السلام شد، و بعد از مدتی، ادعای قائمیت و مهدویت کرد و به تدریج دعاوی خود را گسترش داد (هادیان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸). پس از مرگ او تعدادی از مریدانش به حسینعلی نوری (۱۳۰۹ق) پیوستند و چنین ادعا نمودند که علی محمد شیرازی همان قائم و مهدی موعود بوده است و حسینعلی نوری تجلی عیسی بن مریم و امام حسین علیه السلام است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲، ۲۰۵).

در زمانه معاصر و سه دهه اخیر نیز افرادی مانند محمود عرفانیان (حجایی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۹)، عبدالوهاب حسن احمد البصری (آل عصفور، ۱۴۱۲، ص ۱)، داعیه دار چنین مقامی برای خود بوده اند. برخی از افراد نیز اگرچه در ظاهر خود را نایب خاص امام مهدی علیه السلام عنوان نکرده اند اما، ویژگی هایی را برای خود ذکر می کنند که در واقع منحصر در نایب خاص امام مهدی علیه السلام است؛ بلکه این افراد ادعاهایی دارند که حتی نسبت به نایبان خاص

نمی‌توان آنها را مطرح کرد.

نمونه این دسته، شیخیه کرمانیه است که جایگاه ویژه‌ای برای رهبران خود با عنوان «رکن رابع» یا «ناطق واحد» در نظر گرفته‌است. انگیزه پژوهش حاضر، بررسی چیستی و ویژگی‌های این مفهوم در نظام فکری شیخیه کرمانیه است.

#### ۴. جریان شیخیه و مسئله نیابت

با بررسی آثار شیخیه، می‌توان دیدگاه این جریان را درباره نیابت خاص شناسایی کرده و نقش آن را در نظام فکری آنان ردگیری کرد؛ همچنین می‌توان ضرورت وجود نیابت خاص، و ویژگی‌های آن و دیگر مفاهیم مرتبط را که توسط شیخیه مطرح شده‌اند، استخراج کرد.

#### ۵. رکن رابع

سید کاظم رشتی و به تبع وی شیخیه کرمانیه، قایل به این نکته هستند که در هر زمانی نایب خاص امام مهدی علیه السلام وجود دارد که مقام او برتر از فقهاست خدای متعال جهت امتحان منتظران در دوران غیبت وی را پنهان قرار داده و نامش را به صراحت ذکر نکرده‌اند و اوصاف او همچون «راوی حدیث» بودن و دیگر ویژگی‌ها را متذکر شده تا همت مؤمنین جهت تشخیص حق و باطل نمایان گشته و سختی دستیابی به وی، راهی برای غریبال خالصان از ناخالصان گردد (کرمانی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۹۵؛ رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۱۶۵؛ ابراهیمی، بی‌تا، ص ۲۶۵). سید کاظم رشتی آنها را در همان درجه نایبان خاص چهارگانه دانسته که علومشان را مستقیم از اهل بیت علیهم السلام دریافت می‌کنند؛ از این روی بر دیگر فقها برتری دارند (رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۱۶۶).

شیخیه کرمانیه، آموزه «رکن رابع» (کرمانی، بی‌تا: الف، ص ۶۷) یا «ناطق واحد» یا «نایب خاص» را از شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی دریافت کرده (رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۱۶۵) و در دسته‌بندی خود از مقام انسانیت به پنج گروه شامل: ۱. صاحبان علم ظاهری شریعت (فقها)، ۲. نجبای جزئی، ۳. نقبای جزئی، ۴. نجبای کلی، ۵. نقبای کلی اشاره

می‌کنند (کرمانی، بی تا «ج» ج ۴، ص ۳۷۳؛ کرمانی، بی تا «د»، ۲۱ و ۵۸). با این توصیف در واقع رکن رابع، همان نقباء کلی‌ای بوده که به علم اهل بیت علیهم‌السلام آشنا، دارای ارتباط مستقیم با حضرت مهدی علیه‌السلام و عالم به همه امور عالم هستند (کرمانی، بی تا «د»، ۵۸). در توصیف دیگر، محمد کریم خان کرمانی از قرای ظاهره میان امام و رعیت نام می‌برد که قرای ظاهره را هشت دانسته و بعد از نقبای کلی از «ارکان» نام می‌برد که دلالت بر تمایز این واژه با نقیب کلی دارد (کرمانی، بی تا «ج» ج ۴، ص ۴۱۹).

محمد کریم خان کرمانی، بیشترین تلاش و تأثیر را در القای این آموزه داشته و به صراحت ویژگی‌های «رکن رابع»<sup>۱</sup> را چنین برشمرده است: ۱. ضرورت وجود نقبای کلی و رکن رابع در هر عصر و دوره (کرمانی، بی تا «ب»، ص ۱۲۷)، ۲. آنها واسطه فیض الهی و نعمات هستند (کرمانی، بی تا «د»، صص ۱۳۰-۱۳۳)، ۳. امکان شناخت مصداق خارجی رکن رابع (کرمانی، بی تا «ج» ج ۴، ص ۳۷۸؛ رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۱۶۸)، ۴. واحد بودن آن و عدم تعدد در یک زمان (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰؛ ابراهیمی، بی تا «الف»، ص ۵۹۴-۵۹۷)، ۵. برتری نقباء بر دیگر عالمان و فقیهان و وجوب تبعیت از آنان (کرمانی، بی تا «ج» ج ۴، ص ۳۷۸)، ۶. انکار آنان مساوی با کفر است (ابراهیمی، بی تا «الف» ص ۶۱۱).

## ۶. تداوم نیابت خاص در دیدگاه شیخیه کرمانیه

شیخیه کرمانیه معتقدند که پس از وکیل چهارم (علی بن محمد سمری) دوران وکالت به پایان نرسیده بلکه نایب خاص وجود داشته است، اما بنابر مصالح پنهان بوده و در میان مردم سیر کرده است. در دوره معاصر خدای متعال عنایتی نموده و این نایب دوران و ناطق واحد بر مردم آشکار شده و مصادیق آن در گذر زمان شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی و محمد کریم خان بوده‌اند (حائری اسکویی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸؛ نجفی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰؛ ناشناس، بی تا، ص ۱۷؛ کرمانی، بی تا «و»، ص ۶۳).

به همین علت است که شیخیه معتقدند هیچ یک از کلمات شیخ احمد اشتباه نبوده و

۱. در شباهت آموزه رکن رابع با میراث حدیثی نصیریة ر.ک. <https://www.kateban.com/post/3380>

اقوالش از جانب معصومین علیهم السلام تأیید شده است (ابراهیمی، بی تا «ج»، ص ۲۱۰)، از طرف دیگر علمشان علم خاصی بوده که افراد عادی توانایی درک آن را ندارند (کرمانی، بی تا «الف»، ص ۸۶).

## ۷. تعارضات درونی در آموزه رکن رابع و نیابت خاص

با این حال در تعارضی آشکار، محمد کریم خان در رساله پاسخ به ملا حسینعلی توپسرکانی می نویسد که هیچ گاه ادعای نایب خاصی، نقیبی و شیعه کامل بودن نداشته و هیچ فردی را در شیخیه به این امر نمی شناسد (کرمانی، بی تا «ه»، ص ۳۲).

محمد کریم کرمانی چهارمین رهبر شیخیه کرمانیه تصریح به نایب خاص بودن رهبران پیش از خود دارد (کرمانی، بی تا «الف»، ص ۳۱) در عبارتی می نویسد: «خلاصه اشخاص نقبا و نجبا یا ناطق و مرکز ایشان امروزه ظاهر نیستند و ما هم مکلف بمعرفت اشخاص نیستیم و کسی هم ادعای نقابت و نجابت نکرده و ما نشنیده ایم پس بنا بر این وحشتی برای هیچ کس ایجاد نشود» (ابراهیمی، بی تا «الف»، ص ۵۹۲؛ ابراهیمی، بی تا «ب»، ج ۱، ص ۱۰۲).

نکته قابل توجه این است که این سخن به طور کامل در تضاد با اظهارات پیشین محمدخان کرمانی قرار دارد. او پیش تر تصریح کرده بود که شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی و پدرش، محمد کریم خان، از کاملین بوده اند؛ همچنین وی اذعان داشت که پدرش مصداق نایب خاص و کامل شیعه پس از خود را می شناخته، اما نام او را ذکر نکرده و تنها به توصیف ویژگی هایش پرداخته است. دلیل این امر آن است که شیخیه بر این باورند که پس از نایب خاص چهارم، نام نواب خاص امام مهدی علیه السلام فاش نمی شود و تنها اوصاف آنها بیان می گردد تا آزمونی دشوارتر برای تمیز شیعیان خالص از دیگران ایجاد شود (رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۱۶۵).

## ۸. فقها و رکن رابع

بزرگان شیخیه کرمان، تلاش دارند که فقاقت (به معنای مصطلح نزد شیخیه) را ارج

نهاده و بزرگ شمارند؛ آنان ادعا می کنند که حتی تقلید از مجتهد اعلم و افضل لزومی نداشته و همینکه فردی بتواند روایت را برای شما بخواند قابلیت تقلید فقهی را دارد! (ابراهیمی، بی تا «ج»، صص ۱۳۵ و ۲۱۰).

با این حال، حقیقت امر چیز دیگری است. رهبران شیخیه با قرار دادن جایگاه «ناطق واحد» برای خود، روش فقههای اصولی و حتی اخباری را مردود دانسته و به صراحت تأکید کرده اند که پیروی از عالم شیخی امری ضروری است (موسوی، «الف»، بی تا، ص ۱۶۳ و ۱۷۴؛ رشتی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۳۱۴؛ ابراهیمی، بی تا «ج»، ص ۳۵)؛<sup>۱</sup> از این رو در صورت بروز اختلاف میان مجتهدان و نقیب، ناطق واحد یا رکن رابع، تنها راه ممکن مراجعه به ناطق واحد خواهد بود. در عمل نیز این دیدگاه هیچ گزینه ای جز تبعیت از رهبران شیخیه، همچون شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، باقی نمی گذارد. اگر فردی مبانی شیخیه را بپذیرد و رهبری چون شیخ احمد احسائی را مرتبط با اهل بیت علیهم السلام دانسته و علم او را عاری از خطا بداند، نمی تواند فرد دیگری را برای رهبری برگزیند، چراکه در باور شیخیه، مقام او چنان والا است که هیچ یک از علمای دوران غیبت به مرتبه او نمی رسند (کرمانی، بی تا «ج»، ج ۴، ص ۲۶۵).

محمد کریم خان در لزوم تبعیت از این ناطق می نویسد: «و چون در اصول مذهب ما معلوم است که در مذهب ما تقدیم مفضول بر فاضل روا نیست و به این دلیل رد خلافت خلفا را کرده ایم و آیات از قرآن بر این معنی داریم که افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع ام من لایهدی الا ان یهدی و چنانکه فرمود هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون و آیات بسیار به این معنی که پیش از این ذکر کرده ایم و از مذهب ماست که خدا ترجیح بلامرجح نمی دهد در مذهب ما معلوم است که آن شخص مأمور باطاعت و فرمانبرداری او در هر عصری افضل اهل آن عصر باید باشد و هر کس افضل اهل عصر است او باید مطاع کل باشد و همه باید صادر از امر و نهی او شوند و تولای او را ورزند

۱. و ر.ک. متن نوشته با عنوان «مکتب شیخیه اصولی یا اخباری؟» در سایت شیخیه به آدرس:

و نمی‌شود که عالم کاملی در هر عصری نباشد چرا که وجود او لطف است و خداوند لطف را دریغ نمی‌دارد و احادیث متواتره از ائمه علیهم‌السلام خود داریم که هر عصری باید خالی از عالم نباشد پس در هر عصر علما باید باشند که سایر مردم تعلم از آنها کنند و باز از اصول مذهب ماست که آن علما باید افضل از سایر مردم باشند» (کرمانی، بی‌تا «ج»، ج ۴، ص ۲۶۵).

محمد کریم خان کرمانی در این متن، با استناد به مبانی خاص شیخیه، بر لزوم تبعیت از یک عالم برتر و «ناطق واحد» در هر عصر تأکید کرده و آن را ضرورتی دینی و عقلی معرفی می‌کند. وی این دیدگاه را بر اصولی همچون عدم جواز تقدم مفضل بر فاضل، لزوم وجود عالمی کامل در هر زمان، و نقش او به عنوان مطاع کل و هادی امت بنا نهاده است. استدلال وی بر این امر متکی بر مفاهیمی چون لطف الهی و ضرورت وجود عالم در هر عصر است، که به گمان او مستلزم پذیرش یک رهبر برتر و بی‌بدیل در هر دوره است.

دیدگاه محمد کریم خان کرمانی درباره‌ی لزوم تبعیت از ناطق واحد و افضل اهل عصر را می‌توان در چارچوب تلاش برای استمرار نیابت خاص و تقویت جایگاه رکن رابع در شیخیه تحلیل کرد. این نظریه، افزون بر اینکه با اصول نیابت خاص در شیعه تضاد دارد، پیامدهایی همچون انحصارگرایی دینی، مخالفت با نظام اجتهادی شیعه، و تضعیف جایگاه دیگر فقهای شیعه را به همراه دارد؛ ازاین‌رو می‌توان آن را به عنوان تلاشی برای بازتعریف مرجعیت دینی در راستای تثبیت جایگاه رهبران شیخیه ارزیابی کرد که با مبانی پذیرفته‌شده در اندیشه‌ی شیعی سازگار نیست.

همچنین ابوالقاسم خان ابراهیمی می‌نویسد: «پس ملخص شد که ناطق واحدی که مشایخ ما اثبات فرموده‌اند و هزار دلیل آورده‌اند او از عرض علمای ظاهر نیست و او در درجه اول شخص اول نقبا و قطب وجود آنها است که ناطق و مؤدی از جانب امام است علیه‌السلام و او است وحید عصر و فرید دهر خودش لاغیر و سلمان زمان او است و این در صورتی است که زمان اقتضای ظهور و بروز او را داشت و کسی او را شناخت البته



اطاعت شخص او متعین است در آنچه بفرماید و بر جمیع علمای ظاهر و باطن و جمیع نقبا و نجبا و عدول و رعایا حتم و فرض است اطاعت او زیرا قول او قول امام است و امر و نهی او امر و نهی امام است و مخالفت او کفر است و احدی را حق نطق در مقابل او نیست و جایی که امر و نهی علمای ظاهر در آنچه از امام روایت می‌کنند امر و نهی خداست و رد بر ایشان رد بر خداست پس امر و نهی آن ناطق بطریق اولی امر و نهی خداست و اگر علمای ظاهر روایت از امام می‌کنند او شخص امام را دیده و شنیده بلکه خود او از آل محمد علیهم‌السلام شمرده شده» (ابراهیمی، بی‌تا «الف»، ص ۶۱۱).

محمد کریم خان در کتاب خود معتقد است که در ابتدای زمان غیبت علمای دین مسائل و معارف الهی را تبیین نموده و ظاهر آن را حفظ و به شیعیان انتقال دادند و پس از اتمام این رسالت، اکنون (زمان خودش و شیخ احمد احسائی) لازم است تا باطن شریعت برای شیعیان تبیین شود، لذا خدای متعال اولیایی خاص را مشخص کرده تا این مهم را آموزش دهند. مصداق این عالمان خاص را شیخ احمد احسائی و خود می‌دانند (کرمانی، بی‌تا «ج»، ج ۴، ص ۸۱).<sup>۱</sup>

ایشان در ادامه به اثبات این نکته می‌پردازد که این عالمان خاص همان شیعیان حُلَص و والیانی در کنار حضرت مهدی علیه‌السلام می‌باشند و به ارشاد مردم پرداخته و در زمان غیبت متصدی امر دین هستند. سپس به بیان روایات و ادعیه پرداخته و از جمله به حدیث وصیت نقل شده در کتاب غیبت شیخ طوسی تمسک نموده و این شیعیان خاص را همان «مهدیون» پس از غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام می‌داند (کرمانی، بی‌تا «ج»، ج ۴، ص ۲۲۴)؛

۱. اومی گوید: «و آنچه امروز مردم متحمل‌اند صد سال قبل، بلکه پنجاه سال قبل هرگز متحمل نبودند؛ پس با وجود استعداد ایشان جایز نبود که خداوند اخلاص به این امر که علت غائی از وضع شرایع است نماید و اخلاص هم نفروم و علمایی برانگیزانید که اسرار شرایع را به نور قلوب و صفای صدور و اطمینان نفوس خود متحمل می‌شوند و آن انوار را از مشکوة نبوت و مصباح ولایت اقتباس می‌نمایند و علوم ایشان درسی و اکتسابی نباشد، چرا که تا حال به واسطه غلبه جهال و اهل ضلال مخفی بوده و مصلحت در ابراز آنها نبوده، پس در پیش اهلش مخزون و مکنون بوده تا آنکه در این اوقات که خداوند صلاح عالم را در ابراز دید آن نفوس زکیه را برانگیزانید و این علم را ابراز دادند».

بنابراین از آنجایی که رکن رابع و ارتباط مستقیم او با معصومین علیهم‌السلام وجود دارد، مراجعه به فقها در عمل بی‌معناست.

به عبارت دیگر، آیا پس از تعیین شیخ احمد احسائی به‌عنوان رکن رابع، که به‌طور مستقیم با معصومین و امام مهدی علیه‌السلام در ارتباط است و به تمام احکام ظاهری و باطنی آگاه است، می‌توان تصور کرد که به فردی غیر از او مراجعه شود؟ آیا براساس روش شیخیه در مسائلی که نصی در روایات وجود ندارد، نباید به رکن رابع متصل شده و سخنان او را که به‌طور مستقیم از معصوم الهام گرفته است، ملاک قرار داد؟ آیا در صورت تعارض بین نظرات شیخ احمد احسائی و فقها در مسئله‌ای مانند ماهیت رجعت، می‌توان به نظر فقها عمل کرد؟ افزون به این، شیخیه به‌طور کامل روش مجتهدان و اصولیون را رد کرده و از این‌رو دیگر بحثی درباره تردید میان عالم فاضل و افضل وجود ندارد، بلکه تعارض در فتوای باطل و صحیح است و براساس اصول شیخیه، تنها راه ممکن تمسک به عالم شیخی و به یقین رکن رابع و رهبر این جریان است.

## ۹. دیدگاه منتقدان و مخالفان شیخیه کرمانیه درباره ناطق واحد

با این وصف بوده که منتقدان مخالف با افکار شیخ احمد احسائی (عراقی، ۱۳۸۴، صص ۳۴۷ - ۳۵۹؛ نجفی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۲، ۱۲۰-۱۲۱، ۱۵۲) و مخالفان محمد کریم خان از درون شیخیه، به نتایج باطل برخاسته از دیدگاه رکن رابع و ناطق واحد، اشاره کرده و میرزا موسی حائری احقاقی (۱۳۶۴ق) از بزرگان شیخیه احقاقیه آذربایجانیه و معاصر با محمد خان کرمانی (۱۳۲۴ق) و زین العابدین خان کرمانی (۱۳۶۰ق) این‌گونه در توصیف ناطق واحد و جایگاهش به بحث نشسته‌اند:

منظور از وحدت ناطق به نظر کسی که به آن اعتقاد دارد این است که در هر عصری لازم است مرد ناطقی غیر از امام زمان وجود داشته باشد، مردی که از هر جهت کامل است، به همه‌ی علوم وارد است، و در جهان هستی می‌تواند تصرف کند، و بین رعیت و امام زمان علیه‌السلام واسطه باشد تا فیوضات کونیه و شرعیه را به ایشان برساند، و در تمامی

مراتب مرجع مخلوقات باشد و با وجود او هیچ یک از علماء نباید ادعای استقلال و اجتهاد کنند، بلکه بر همه‌ی علماء واجب است مردم را به سوی او دعوت کنند، و بر همه‌ی مکلفین واجب است به او معرفت برسانند، و اگر بمیرند اما او را نشناخته باشند مرده‌ی آنان مرده‌ی جاهلیت و کفر و نفاق است. این مرد را در کتاب‌ها و نوشته‌های خود ناطق، امام، نایب خاص، شیخ، سلطان، حاکم، امام ناطق، وزیر، نایب کل، ربّ، مؤسس اساس، مقنن قانون، رحمن، اله، شهید، نذیر، باب، رکن، قطب، سلطان دنیا و آخرت و حجت کلیه نام گذاشته‌اند، مبتکرین این اعتقاد و مؤسسان آن در کتاب‌های خود مخصوصاً برهان قاطع و رساله‌ی اسحاقیه، و رساله‌ای که حاج محمد خان در این باره در جواب شیخ جلیل شیخ حسین مزیدی نوشته می‌توان ملاحظه کرد (حائری اسکویی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷).

#### ۱۰. تحلیل مستندات شیخیه درباره نیابت خاص

افزون بر تعارضات و پنهان کاری‌های شیخیه کرمانیه، باید نکاتی را خاطرنشان کرد:  
الف: موقعیت ویژه نیابت خاص (شهبازیان، ۱۴۰۱، ص ۵۷) ضرورت وجود نص از جانب معصوم علیه السلام را برای اثبات این مقام به همراه داشته (شهبازیان، ۱۴۰۱، ص ۶۷) و شیعیان امامیه صرفاً چهار نفر را مصداق این مقام دانسته‌اند؛ ایشان معتقدند که بنابر نصوصی مانند: گزارش محمد بن احمد صفوانی (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۹۴)، غیاث بن اسید (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۳۲)، توقیع شریف (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۱۶) و عدم نص از جانب معصوم علیه السلام در معرفی نایب پنجم پس از وفات نایب چهارم (ر.ک: شهبازیان، ۱۴۰۱، صص ۷۱-۹۵)، مصداقی برای نیابت خاص وجود ندارد و درب آن در دوران غیبت کبری بسته شده است.

ب: حدیث مورد استناد در اثبات مهدیون نه تنها دارای ضعف سند است بلکه محتوای آن مخالف با عقاید امامیه بوده و از شذوذاتی است که در مسائل عقیدتی نمی‌توان از آن بهره برد (شهبازیان، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲؛ محمدی هوشیار، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱).

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که فرقه شیخیه کرمانیه با دست یازیدن به مفهوم نیابت خاصه و تغییر و تطور معنایی آن، در تلاش بوده تا نظریه رکن رابع را به‌عنوان جایگزینی برای مرجعیت علمای شیعه مطرح کند. این جریان با استفاده از برداشت‌های خاص خود از آموزه‌های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، نیابت خاصه را از چارچوب سنتی آن خارج کرده و آن را به مقامی فراتر از چهار نایب خاص امام زمان علیه السلام تعمیم داده است. نتیجه این تغییر، ایجاد نوعی مرجعیت انحصاری برای رهبران شیخیه بوده که آنان را در جایگاهی هم‌تراز با نایبان خاص و بلکه فراتر از آنان قرار داده است. این ادعا در تضاد آشکار با آموزه‌های شیعه امامیه قرار دارد، چراکه در اندیشه شیعی، پس از پایان غیبت صغری، نیابت خاصه خاتمه می‌یابد و مسیر هدایت دینی از طریق فقهای جامع‌الشرایط و نظام مرجعیت تداوم یافته است.

بررسی تاریخی و تحلیلی این تطور معنایی، آشکار ساخت که شیخیه کرمانیه نه تنها برداشت نادرستی از مسئله نیابت خاصه داشته، بلکه در پی تحریف این مفهوم در راستای مشروعیت‌بخشی به جایگاه رهبران خود بوده است. این تلاش با نفی جایگاه فقهای شیعه و تمرکز بر نظریه ناطق واحد و رکن رابع، درعمل موجب انحراف از مسیر اصیل تفکر شیعی شده است. مطالعه تطبیقی اندیشه شیعی در باب نیابت خاصه و مقایسه آن با دیدگاه شیخیه، نشان می‌دهد که این فرقه با تفسیر نادرست از نظام وکالت و نیابت، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک مرجعیت خودخوانده و انحرافی شده است؛ ازاین‌رو نقد و بررسی این ادعاها از منظر مبانی کلامی شیعه، امری ضروری است تا از گسترش چنین برداشت‌های ناصحیح و انحرافی جلوگیری شود.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

آل طالقانی، محمد حسن. (۱۴۲۰). الشیخة. بیروت: الآمال للمطبوعات.

آل عصفور، محسن. (۱۴۱۲). ظاهرة الغيبة و دعوى السفارة فى ظل إمامة المهدي المنتظر عجل الله فرجه.

الميرزا محسن آل عصفور، بی جا.

ابن خلکان، احمد بن محمد. (بی تا). وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان. محقق: عباس احسان، بیروت: دار الفكر.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق). کمال الدین و تمام النعمة. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی.

ابراهیمی، ابوالقاسم. (بی تا/ الف). تنزیه الاولیاء. بی تا: برگرفته از سایت :

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/eftara>

ابراهیمی، ابوالقاسم. (بی تا/ ب). فهرست کتب مشایخ عظام. بی تا: برگرفته از سایت :

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book>

ابراهیمی، عبدالرضا خان. (بی تا/ ج). رساله تقلید. بی تا: برگرفته از سایت : [www.alabrar.info](http://www.alabrar.info)

افضلی، محمد علی. (۱۳۹۷). شیخیه و غلو در موضوع امامت. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

باقری، علی اکبر. (۱۳۸۹). معرفت کلامی، سال اول زمستان شماره ۴، ص ۳۵-۵۸.

جمعی از نویسندگان. (۱۴۰۱). درسنامه فرقه‌های انحرافی. قم: انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود.

حائری اسکویی، میرزا موسی. (۱۳۹۲). احقاق الحق. تهران: روشن ضمیر.

حجایی، حسین. (۱۳۹۵). شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- رشتی، سید کاظم. (۱۴۳۲ق). جواهر الحكم. بصره: شركة الغدير.
- رحمانیان، داریوش؛ سراج، محسن. (۱۳۹۰). اصل معرفت به «رکن رابع» در اندیشه شیخیه، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۸، صص ۵۳-۷۶.
- زرگری نژاد، غلامحسین؛ سراج، محسن. (۱۳۹۰). مطالعات تاریخ اسلام - شماره ۱۰، علمی-پژوهشی، صفحه - از ۷۹ تا ۹۲.
- شهبازیان، محمد. (۱۳۹۶). ره افسانه. قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- شهبازیان، محمد. (۱۴۰۱). معیارهای شناسایی مهدی موعود علیه السلام و تمایز آن از مدعیان دروغین. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صدر، سید محمد. (۱۹۹۲م). تاریخ الغیبة الصغری. لبنان: بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- طبری آملی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان. لبنان: بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). الغیبة. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عراقی، محمود بن جعفر. (۱۳۸۴). دارالسلام در احوالات حضرت مهدی علیه السلام. قم: مسجد مقدس جمکران.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی. قم: الشریف الرضی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. قم: هجرت.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسة الإمام المهدی علیه السلام.
- کرمانی، محمد کریم خان. (بی‌تا/ الف). سی فصل. بی‌نا: برگرفته از سایت مکارم الابرار به آدرس:

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/%D8%B3%DB%8C%20%D9%81%D8%B5%D9%84.pdf>

کرمانی، محمد کریم خان. (بی‌تا/ ب). سی فصل. بی‌نا: برگرفته از سایت:

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/>

کرمانی، محمد کریم خان. (بی تا/ج). ارشاد العوام. بی نا: برگرفته از سایت:  
<http://www.aghayed.net/category/>

کرمانی، محمد کریم خان. (بی تا/د). تیر شهاب در رد باب. بی نا: برگرفته از سایت:  
<http://m-kermani.ir/shobahat/>

کرمانی، محمد کریم خان. (بی تا/ه). رساله در جواب ایرادات ملا حسینعلی. بی نا: برگرفته از  
سایت: <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book>

کرمانی، محمد کریم خان. (بی تا/و). هدایة الطالبین. بی نا: برگرفته از سایت :  
<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/books/%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%A9%20%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%DB%8C%D9%86.pdf>

کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). رجال الکشی. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.  
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی (۸ ج)، تهران: دار الکتب الإسلامية.  
محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۹). درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن البصری. قم: انتشارات  
تولی.

مشکور، محمدجواد؛ مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی. ایران، مشهد: بنیاد  
پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: المؤتمر العالمی  
لألفية الشيخ المفید.

موسوی، سیدعلی بن عبدالله. (بی تا/الف). شرح کتاب الفاروق و الحق. بی نا: موجود در سایت  
الابرار به آدرس: <https://www.alabarar.info/library/FAROOQ/f0006>

موسوی، سیدعلی بن عبدالله. (بی تا/ب). احوال الشيخ احمد الاحسائی و الشيخیه. بی نا: موجود  
در سایت الابرار به آدرس:

[https://www.alabarar.info/library/SHARH\\_JS/f0000](https://www.alabarar.info/library/SHARH_JS/f0000)

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۷۶). رجال النجاشی. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، دفتر  
انتشارات اسلامی.

نجفی، محمد باقر. (۱۳۸۳). بهایان. تهران: نشر مشعر.

ناشناس، جزوه وحدت ناطق بر گرفته از سه رساله شیخی موجود در سایت: [http://m-](http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/nateq)

[kermani.ir/wp-content/uploads/book/nateq](http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/nateq)

هادیان، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تضادهای درونی میان گفتارها و رفتارهای سید باب در مسئله

امام زمان علیه السلام، بهایی‌شناسی، ش ۲-۳، صص ۱۵۷-۱۸۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## References

\* The Holy Quran

A Group of Authors. (2022). *Handbook of Deviant Sects*. Qom: Mahdi Mo'oud Cultural Foundation. [In Persian]

Afzali, M. A. (2018). *Shaykhiyya and Extremism in the Subject of Imamate*. Qom: University of Religions and Denominations Press. [In Persian]

Al-Asfur, M. (1991). *Zahira al-Qaybah va Da'avi al-Safara fi Zil Imamah al-Mahdi al-Montazar*. [In Arabic]

Allama Helli, H. Y. (1982). *Rijal al-Allama al-Hilli*. Qom: Al-Sharif al-Radi. [In Arabic]

Al-Taleqani, M. H. (1999). *Al-Shaykhiyya*. Beirut: Al-Amal le Matbu'at. [In Arabic]

Anonymous. (n.d.). *The Speaking Unity Treatise*, Derived from Three Shaykhi Treatises. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/nateq> [In Persian]

Araqi, M. J. (2005). *Dar al-Salam fi Ahwalat Hazrat Mahdi*. Qom: Jamkaran Mosque. [In Persian]

Baqeri, A. A. (2010). The theological views of the Shaykhiyya. *Ma'rifat-e Kalami*, 1(4), pp. 35-58. [In Persian]

Ebrahimi, A. (n.d.-a). *Tanzih al-awliya*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/eftara> [In Persian]

Ebrahimi, A. (n.d.-b). *Fihrist kutub mashayikh izam*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book> [In Persian]

Ebrahimi, A. K. (n.d.-c). *Risala-yi taqlid*. Retrieved from [www.alabrar.info](http://www.alabrar.info) [In Persian]

Farahidi, K. A. (1988). *Al-'Ayn*. Qom: Hijrat. [In Arabic]

Hadian, M. (2016). Examining the Internal Contradictions in Sayyid Bab's Statements and Actions on the Issue of Imam Mahdi. *Baha'i Studies*, (2-3), pp. 157-186. [In Persian]

Haeri Oskooyi, M. M. (2013). *Ihqaqul Haq*. Tehran: Rowshan Zameer. [In Persian]

- Hajami, H. (2016). *Recognition, Review, and Theological Critique of Deviant Mahdavi Movements*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. A. (1995). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'ma* (Vol. 2, A. A. Ghaffari, Ed.). Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawza al-Ilmiyya, Mu'assissat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
- Ibn Khalkan, A. M., & Musa, A. A. (n.d.). *Wafiyat al-Ayan wa Anba Abna al-Zaman* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr.
- Kashi, M. U. (1983). *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal: Rijal al-Kashi* (Vols. 1 & 6). Qom: Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage. [In Arabic]
- Kermani, M. K. (n.d/a). *30 chapters* (Vol. 7). Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/%D8%B3%DB%8C%20%D9%81%D8%B5%D9%84.pdf> [In Persian]
- Kermani, M. K. (n.d/b). *30 chapters*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book> [In Persian]
- Kermani, M. K. (n.d/c). *Irshad al-Awam*. Retrieved from <http://www.aghayed.net/category/> [In Persian]
- Kermani, M. K. (n.d/d). *Tir Shihab dar Rad Bab*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/shobahat/> [In Persian]
- Kermani, M. K. (n.d/e). *A Treatise in Response to the Objections of Mulla Hossein Ali*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book> [In Persian]
- Kermani, M. K. (n.d/f). *Hidayat al-Talibin*. Retrieved from <http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/books/%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%A9%20%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%DB%8C%D9%86.pdf> [In Persian]
- Kulayni, M. Y. (1984). *Al-Kafi* (Vols. 1 & 8). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Mashkur, M. J., & Modir Shanechi, K. (1996). *Dictionary of Islamic Sects*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. [In Persian]

- Mohammadi Hoshyar, A. (2020). *Handbook of Criticism and Review of Ahmad al-Hasan al-Basri Movement*. Qom: Tawalla Publications. [In Persian]
- Mousavi, S. A. A. (n.d./a). *Sharh Kitab al-Faruq wa al-Haqq*. Retrieved from <https://www.alabrar.info/library/FAROOQ/f0006> [In Arabic]
- Mousavi, S. A. A. (n.d./b). *Ahwal al-Shaykh Ahmad al-Ahsa'i wa al-Shaykhiyya*. Retrieved from [https://www.alabrar.info/library/SHARH\\_JS/f0000](https://www.alabrar.info/library/SHARH_JS/f0000) [In Arabic]
- Mufid, M. M. (1992). *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-Ibad* (Vol. 2). World Congress on the Millennium of Shaykh Mufid. [In Arabic]
- Najafi, M. B. (2004). *Baha'iyān*. Tehran: Mash'ar Publications. [In Persian]
- Najashi, A. A. (1997). *Rijal al-Najashi*. Qom: Islamic Publishing Office of Society of Teachers. [In Arabic]
- Qutb Rawandi, S. H. (1988). *Al-Khara'ij wa al-Jara'ih* (Vol. 18). Qom: Imam Mahdi Foundation. [In Arabic]
- Rahmanian, D., & Seraj, M. (2011). The principle of knowledge of the "Fourth Pillar" in Shaykhiyya thought. *Islamic History Studies*, (8), pp. 53-76. [In Persian]
- Rashti, S. K. (2011). *Jawahir al-hikam* (Vol. 7). Basra: Shirka al-Ghadir. [In Arabic]
- Sadr, S. M. (1992). *Tarikh al-Ghayba al-Sughra* (Vol. 12). Beirut: Dar al-Ta'aruf. [In Arabic]
- Shahbazian, M. (2017). *Rah-e Afsaneh*. Qom: Islamic Seminary of Qom, Center for Mahdaviat Studies. [In Persian]
- Shahbazian, M. (2022). *Criteria for Identifying the Promised Mahdi and Distinguishing Him from False Claimants*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
- Tabari Amoli, M. J. (1993). *Dala'il al-Imama*. Qom: Ba'that Foundation, Publishing Center. [In Arabic]
- Tabarsi, F. H. (1987). *Majma' al-Bayan* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]

- Tusi, M. H. (2004). *Al-Ghayba*. Qom: Mu'assisat al-Ma'arif al-Islamiyya. [In Arabic]
- Zargari-Nejad, G., & Siraj, M. (2011). Principles of religion and the theory of the single speaker in Shaykhiyya thought. *Islamic History Studies*, (10), pp. 79-92. [In Persian]

